

گفت وگویی مسیحیت و اسلام*

پروفسور ویکتور الکک (Victor El-kik)**

مترجم: حیدر محلاتی

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

گفت وگو از دیرباز نیاز انسان اجتماعی بوده، و امروزه راه کاری شایسته برای بررسی و چاره‌جویی دشواری‌های موجود به‌شمار می‌رود. مقاله حاضر پژوهشی در تبیین بستر و زیرساخت‌های گفت وگو بین دو دین اسلام و مسیحیت است که بیشتر بر ایجاد راه کارهای عملی برای برقراری روابط سالم اجتماعی و هم‌زیستی مشترک و پایدار میان مسلمانان و مسیحیان بر اساس بازگشت به اصول ناب و بی‌آلایش دو دین، تأکید می‌کند.

نویسنده مقاله که از استادان ممتاز دانشگاه لبنان و از فعالان برجسته بین‌المللی در زمینه گفت وگویی ادیان و تمدن‌هاست، در این مقاله، ادیان آسمانی را سرچشمه زلال آزادی، برابری و برادری انسان‌ها و الهام بخش اصلاحات فراگیر جوامع بشری دانسته است.

کلید واژه‌ها: اسلام، مسیحیت، گفت وگویی ادیان.

*. ویکتور الکک، اُسس و آفاق لحوار مسیحی - اسلامی، بیروت، دارالسلام، ۱۹۹۶.

** استاد ممتاز و رئیس مرکز زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه لبنان.

ایمان، عقیده است که تبلور آن در گفتار و کردار است؛ به عبارت رساتر می توان گفت که ایمان اندیشه، گفتار و کردار است. در این زمینه، دیدگاه اسلام و مسیحیت و نیز آیین های دیگر پیش از آنها، اعم از یکتاپرستی و مانند آن، یکسان است.

چون این سه رکن ایمان، پایه مشترک ادیان و از بعد فلسفی، اجزای هستی انسانی را تشکیل می دهند، پس لازم است به عنوان محور اعتقادات دینی و پایه های ایدئولوژی قلمداد شوند. بدین جهت، تفاوت ادیان و ایدئولوژی ها را از یکدیگر باید با محتوای در بر گیرنده این سه رکن و کارکرد این سه در عرصه زندگی مرتبط دانست.

از این رو، محتوا و کارکرد - با توجه به مطلق بودن تعالیم الهی و نفی نسبیت بشری از آن - با راهبردهای محیطی هر دین و ایدئولوژی پس از گسترش و نفوذ در جهان، الگو می پذیرد.

محتوا که حقایق ایمانی پایداری را در بر می گیرد، در فرم های گوناگونی که با شرایط نزول وحی و یا شرایط تحوّل بشری متناسب است، پدیدار می شود. بدین سان، فرستادگان خدا برای هدایت مردم فزونی یافتند، و به گفته قرآن: «و رسولان را فرستاد که نیکان را بشارت دهند و بدان را بترسانند تا آن که پس از فرستادن این همه رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد».^۱ در مقوله قرآنی عبرت آمیز دیگری آمده است: «ما بر هر قومی شریعت و طریقه ای مقرر داشتیم و اگر خدا می خواست همه را یک امت می گردانید و لیکن این نکرد تا شما را به احکامی که در کتاب خود فرستاده بیازماید، پس شما به کارهای نیک سبقت گیرید که بازگشت همه شما به سوی خداست و در آنچه اختلاف می نمایید، شما را آگاه خواهد ساخت».^۲

این اختلاف که ناشی از فلسفه آفرینش، قانون تحوّل و نیازمندی های محیط است، در عصر حاضر منجر به ایجاد دو جریان مخالف هم شد: یکی معتقد به گشودن دفتری تازه از روابط مثبت میان فرقه های مسیحی به ویژه میان کلیسای کاتولیک و دیگر ادیان است. چندین

سند از اسناد کنگره دوم واتیکان که این شیوه را پی‌ریزی کرد بر ضرورت برقراری این‌گونه روابط تأکید کرد، و سند ویژه‌ای موسوم به بیانیه «Nostea Aetate» را که به ایجاد رابطه میان کلیسای کاتولیک و دیگر ادیان پرداخته، اختصاص داد که پس از این به رویکردها و دیدگاه‌هایش خواهیم پرداخت. اما جریان دیگر، بنیادگرایی است که در این دوران گاه تندروی و گاه میانه روی پیشه می‌کرد، تا جایی که مناطق وسیعی از خاور نزدیک، میانه و دور را در برگرفت و تأثیرات شگرفی بر شمال آفریقا و آفریقای سیاه برجای گذاشت. این در حوزه دین اسلام. اما در حوزه مسیحیت همانند این جریانی که بازگشت به بنیادها و ریشه‌ها را تبلیغ می‌کرد نیز پدید آمد، به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا که در آن‌جا هم مانند بنیادگرایی اسلامی، دعوت دینی، چهره سیاسی به خود گرفت، هر چند تفاوت‌هایی بین این دو از نظر خاستگاه‌ها و انگیزه‌ها وجود داشته است.

در این‌جا می‌توان به مباحثی که پژوهش‌گران این جریان، همچون رابرت نیبت (Rabert Nisbet) و ویلیام شامبرا (William A. Schambra)، (سیاست‌مدار) و دیگران مطرح کردند، اشاره کرد.^۳

اینک که موضوع این تلاش، بررسی آغاز دوره‌ای از روابط خوب میان ادیان، به‌ویژه بین مسیحیت و اسلام بوده، بهتر آن است کلامم را درباره راه‌های امکان‌پذیر ایجاد روابط میان این دو، با بازگشت به پایه‌های گفت و گوی مورد تأکید دو دین متمرکز کنم. سعی می‌کنم به اندازه توان دورنمایی از روش اولیه این گفت و گو را ترسیم کنم.

بستر و زیرساخت‌های گفت و گو

مفهوم گفت و گو میان ادیان به عنوان پایه و اساس در کلیسای کاتولیک بر اساس نامه فراگیر (Ecclesiam Suam) پاپ پل ششم که در ۶ آگوست سال ۱۹۶۴ منتشر کرد، در نظر گرفته شد. در پی آن، استعمال این اصطلاح گسترش و در خلال کنگره، کاربرد فراوانی یافت. سپس در چهارچوب امور و روابط کلیسا و مسائل دینی و نیز دنیوی و برای نشان دادن روابط مثبتی که باید میان مردم، اعم از افراد و گروه‌های پیرو ادیان مختلف و ایدئولوژی‌های متفاوت، حاکم باشد، بهره‌برداری شد.

مفهوم گفت و گو که اندک اندک به جنبشی پویا بدل شد و اجرای تئوریک و عملی آن به

عهده مؤسسه‌ای که پاپ پل ششم در چهارچوب کنگره دوم واتیکان بنیان نهاد و نام دبیرخانه امور غیر مسیحیان به خود گرفت، در سال ۱۹۶۴ و در عید یادبود نزول روح القدس بر شاگردان حضرت مسیح که پنجاه روز پس از عید پاک است، متبلور شد. از دلایل اهتمام ورزیدن پاپ فقیه به این مؤسسه، اعطای شخصیت معنوی و عملی و مستقل از جامعه مقدس مسیحی به این مؤسسه برای تبلیغ دین مسیحیت به دیگر ملل بود. قانون کلیسا (Regimini Ecclesiae) مأموریت این مؤسسه را این گونه ذکر می‌کند: «بحث درباره روش‌ها و ابزاری که منجر به گشایش گفتمان با غیر مسیحیان و کوشش جدی برای شناخت دقیق ادیان غیر مسیحی و ارج نهادن به آنها تا این‌که غیر مسیحیان به طور شایسته به اعتقادات، زندگانی و ارج و منزلت مسیحیت پی ببرند».^۴ در این جا به هیأتی که از سوی مجمع جهانی کلیساها برای گفت و گو با ملت‌های دارای عقاید و ایدئولوژی‌های زنده و در راستای تبلیغ و دعوت به انجیل تأسیس شده، اشاره می‌شود. این دو هیأت برای صلاح و رستگاری انسان همکاری کردند. اما کلیسا چگونه به اجرای اصل گفت و گوی عمومی بر پایه دوران نوین روابط نگرست، روابطی که خود خواستار برقراری آن بین مسیحیت و اسلام و از خلال رابطه مورد نظر بین این دو بود.

کنگره گفت و گو - اگر این نام‌گذاری مناسب باشد - بر آنچه دو طرف را بر پایه ایمان به یگانگی الهی در صورت‌های گوناگونش گرد هم می‌آورد و گشودن فصلی تازه از روابط و نیز تلاش مشترک در نگاهداشت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، تأکید کرد. در بخشی از بیانیه کنگره آمده است:

کلیسا به دیده ستایش به مسلمانان می‌نگرد که خدای یگانه را می‌پرستند، خدای زنده و بی‌مانند، بخشنده و مهربان و توانا، شکافنده آسمان‌ها و زمین که گفتارش را به بشر پرتو افکند. آنها با همه وجودشان در تلاشند فرمانبردار دستورهای خداوند باشند، اگر چه درک آن از دید ما پنهان است. همان‌گونه که ابراهیم بندگی می‌کرد که اصولاً دین اسلام به او برمی‌گردد. مسلمانان، مسیح را به عنوان پیامبر، گرامی می‌دارند، هر چند که به مقام الوهیتش معتقد نیستند، و نیز مادر مقدسش مریم را ارج می‌نهند و گاه او را الگوی تقوا می‌دانند. آنها در انتظار روز رستاخیزند که خداوند به همه مردم که از نو زنده می‌شوند، رسیدگی می‌کند. و همین‌طور پاسداریشان از ارزش‌های اخلاقی و بندگیشان به بارگاه خداوند بزرگ، به ویژه نماز، زکات و

روزه. و اگرچه اختلافات فراوان و دشمنی‌ها در طول قرن‌ها، روابط مسیحیت و اسلام را به بن بست کشانده است، این کنگره همگان را به نادیده انگاشتی گذشته و کوشش در برقراری تفاهم دو جانبه و تلاش دو سویه برای پیش‌برد ارزش‌های عدالت اجتماعی و اخلاق و صلح و آزادی و گسترش آن که همه مردم را در بر گیرد، ترغیب می‌کند.^۵

دیگر کلیساها نیز، گفته‌های کلیسای کاتولیک را تأیید کردند.

آداب و اخلاق گفت و گو

اگر چه کنگره دوم واتیکان، گفت و گو را آغاز تازه‌ای برای ارتباط میان ادیان و ایدئولوژی‌ها قرار داد و مؤسسه‌ای را برای پی‌گیری آن ایجاد کرد تا این اندیشه، تنها مفهومی ذهنی و شعاری ایدئولوژیک باقی نماند، بی‌تردید، این فکر برخاسته از اصول نهادینه هر دو دین است که می‌توان در عقیده توحید و پای‌بندی به برادری انسانی - که جلوه‌ای خداوندی است - و هدف صلح جهانی برای همه انسان‌ها، گرد آورد. این اصول، آداب و اخلاقی دارد که در پی توضیح آنیم.

از نظر روابط انسانی، انجیل به چیزی گسترده‌تر از تسامح و فراتر از گفت و گو دعوت کرد، آن‌جا که می‌آموزد:

اما من به شما می‌گویم به کسی که به تو بدی می‌کند بدی نکن. و اگر کسی بر گونه‌ی راست تو سیلی می‌زند گونه‌ی دیگر خود را به طرف او بگردان. هر گاه کسی تو را برای گرفتن پیراهنت به دادگاه بکشاند، ردای خود را هم به او ببخش... شنیده‌اید که: نزدیکان خود را دوست بدارید و با دشمن خویش دشمنی کنید. اما من به شما می‌گویم: دشمنان خود را دوست بدارید، نفرین کنندگان شما را دعا کنید و به کسانی که به شما کینه ورزی می‌کنند، نیکی کنید. به این وسیله شما فرزندان پدر آسمانی خود خواهید شد. چون او آفتاب خود را بر بدان و نیکان یکسان می‌تاباند، و باران خود را بر درستکاران و بدکاران می‌باراند. اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست می‌دارند، پس چه اجری دارید؟^۶

این آموزش‌ها، گذار از خودخواهی و نفس بدخواه، و برای برقراری روابط اجتماعی و انسانی با ارزش است. نمونه آن در چهارچوب دعوت به حق در قرآن از یک سو، این‌گونه آمده است:

«خلق را به حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق مناظره کن که البته خدا (عاقبت حال) کسی که از راه او گمراه شده و آن که هدایت یافته بهتر می‌داند».^۷ این معنای دیگری نیز دارد و آن نبستن باب گفت و گو و متهم نکردن دیگران به گمراهی است. در انجیل نیز مانند این آمده است: «دیگران را محکوم نکنید تا مورد محاکمه قرار نگیرید».^۸

از سوی دیگر، قرآن، آداب گفت و گو با اهل کتاب را ترسیم کرده، بیان می‌کند که توحید، مسلمانان و اهل کتاب را به هم نزدیک می‌کند و این یکی از پایه‌های گفت و گو است. در سوره عنکبوت می‌خوانیم:

و شما مسلمانان با اهل کتاب جز به نیکوترین طریق، بحث و مجادله مکنید، مگر با ستمکاران از آنها و با اهل کتاب بگویند که ما به کتاب آسمانی قرآن بر ما نازل شده و به کتاب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.^۹

برای این که قرآن کریم این شور و گرمی دعوت جدید را سامان بخشد و مؤمنان را به دلیل دعوت به خدا از نادیده گرفتن آزادی دیگران بر حذر بدارد، پیامبر خود را به عنوان یاد آورنده مخاطب ساخت، و این که او نمی‌تواند هر کس را که خواست به راه خدا هدایت کند، بلکه فقط زمینه آماده سازی بندگان خدا را برای هدایت فراهم می‌آورد:

چنین که هر کس را بخواهی هدایت توانی کرد، لیکن خدا هر که را خواهد هدایت می‌کند و او به حال آنان که قابل هدایتند، آگاه‌تر است.^{۱۰}

زمینه گفت و گو

هر چند کلیسا تلاش کرد تا از گفت و گو، خاستگاهی برای همکاری میان مسیحیت و اسلام بسازد، به نظر ما، دیدگاه دو دین از لحاظ به کارگیری اعتقادات دینی برای انجام اعمال نیک در زندگی اجتماعی و دمیدن روح انجیل و قرآن در زندگی مطابقت دارد. در انجیل آمده است:

نه هر کسی که مرا: خداوندا، خداوندا، خطاب کند به ملکوت آسمان وارد خواهد شد، بلکه آن کسی که اراده پدر آسمانی مرا به انجام برساند.^{۱۱}

قرآن نیز می‌آموزد:

نیکوکاری این نیست که روی به سمت مشرق یا مغرب کنید، چه این چیز بی اثری است، لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان آسمان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز به پا دارد و زکات مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختی‌ها صبور و شکیبا باشد و به وقت رنج و تعب صبر پیشه کند، کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند آنها به حقیقت راست‌گویان عالم و آنها پرهیزکارانند.^{۱۲}

پس باید گفت و گوی ما، گفت و گویی بر پایه عمل و اجرا باشد، چرا که هر دو دین، ما را به این‌که دین را در رفتار و کردارمان زنده سازیم و نه فقط با بیان آموزه‌های آن، فرا می‌خوانند. شایان ذکر است که مسیحیت و اسلام هر دو، اصل آزادی عقیده را اعلام کرده و گفته‌اند که همه مردم، هر عقیده‌ای را که می‌خواهند برگزینند، آزادند. اگر چه اختلاف نظر در تفسیر آیه قرآنی ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ و آیه ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ که به ظاهر با آیه قبل مغایرت دارد، بسیار است، و با این‌که شیخ محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵م) و شیخ محمد رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵م) این دو آیه و آیه‌های دیگر را با در نظر گرفتن اسباب نزول، در راستای اثبات آزادی تفسیر کردند، اما آیه‌هایی را که آورده‌ام - آیه ۴۸ سوره مائده، آیه‌های ۴۴-۴۶ از انجیل متی - این مورد را به وضوح نشان می‌دهد.

اما درباره گفتار هر دین مبنی بر این‌که راه نجات تنها به پیروی از همان دین است و لاغیر، که در آیه قرآنی (هر کس که دینی جز اسلام داشته باشد از او پذیرفته نیست) و آیین مسیحیت (بیرون از کلیسا، نجاتی نیست)، تبلور یافته است، باید گفت که مواضع کنگره دوم واتیکان در این خصوص و آموزه‌های امام غزالی، برگی نو از پذیرش عملی متقابل در جزئیات می‌گشاید و آموزه‌های سنتی کلی را پشت سر می‌گذارد.

امام ابو حامد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ه) که اهل سنت او را حجة الاسلام لقب دادند و برخی از بزرگ‌ترین مجتهدان اسلام درباره کتاب احیاء علوم الدین او گفته‌اند که احیاء چیزی نزدیک به قرآن است. وی در کتاب فیصل التفرقة^{۱۳} خود آورده است که غیر مسلمانان هم می‌توانند رستگار شوند، چنانچه شرایط راست‌گویی و اخلاص حقیقی در آنها فراهم شده باشد. گفته این پیشوای اهل سنت و دو تن از علمای اسلامی معاصر، یعنی شیخ محمد عبده و شیخ

محمد رشید رضا در تفسیر المنار^{۱۴} نظر اجتهادی منحصر به فرد نیست، بلکه از نص صریح آیه ذیل که به صورت‌های گوناگون در قرآن و در سه آیه از سوره بقره^{۱۵} و یک آیه از سوره مائده^{۱۶} آمده است، سرچشمه می‌گیرد:

هر مسلمان و یهود و نصارا و ستاره‌پرست که از حقیقت، به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکاری پیشه کند، البته از خدا پاداش نیک یابد و هیچ‌گاه (در دنیا و عقبی) بیمناک و اندوهگین نخواهد بود.^{۱۷}

در راستای موضع شجاعانه غزالی - با توجه به شرایط زمانه خود - موضع کنگره دوم واتیکان قرار دارد که به آن استناد کردیم و در مورد ایمان و نجات مسلمانان با غزالی هم‌عقیده است.

افزون بر این، و در همین راستا، رویکرد امام غزالی به آموزه‌های حضرت مسیح و استفاده از گفته‌ها و رهنمون‌های ایشان، به ویژه در فلسفه اخلاقیش قابل توجه و نشان دهنده راه و روش نمونه و یگانه غزالی است. این را در میراث فرهنگی شیعه، چه در روی آوردن به آموزه‌ها و راه روش حضرت مسیح و چه در گفت و گویی که به صورت مناظراتی میان دانشمندان مسیحی و دانشمندان و پیشوایان شیعه صورت می‌گرفته، متجلی می‌بینیم. گفتنی است که در این زمینه، نوشته‌های علمای شیعه، به ویژه دوازده امامی‌های در استفاده فراوان از سخنان و اندرزهای حضرت مسیح و تجلیل از روش زندگی او چشم‌گیر بوده است.

بر فراز این گونه ادبیات دینی، گفتار امام علی بن ابی طالب علیه السلام درباره پیغمبران قرار دارد که در مورد حضرت مسیح گفته است:

و اگر خواهی از عیسی بن مریم علیها السلام گویم که سنگ را بالین می‌کرد و جامه درشت به تن داشت و خوراک ناگوار می‌خورد. و نانخورش او گرسنگی بود، و میوه و ریحان او آنچه زمین برای چهارپایان رویاند از گیاه. زنی نداشت تا او را فریفته خود سازد، فرزندی نداشت تا غم وی را خورد، و نه مالی که او را مشغول کند. و نه طمعی که او را به خواری در اندازد. مرکب او دو پایش بود و خدمتگزار وی دست‌هایش.^{۱۸}

در زمینه گفت و گوها یا مناظرات، دانشمند معروف شیعی محمد بن علی بن بابویه قمی (در گذشته به سال ۲۸۰ هـ) چهار مناظره میان پیشوای بزرگ مسیحیان در مرتبه «جائلیق»^{۱۹} و

پیشوایان شیعه یا روحانیان بزرگ و یا متکلمان آنها آورده است. نخستین مبحث از این دست میان جاثلیق و امام علی بن ابی طالب علیه السلام تقریباً پس از گذشت چهار دهه از هجرت پیامبر انجام شده است. اما این گونه مباحث که صورت مناظره به خود گرفت، در قرن دوم هجری (قرن هشتم میلادی) میان جاثلیق و امام جعفر صادق علیه السلام و سپس امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به اوج خود رسید.^{۲۰}

دومین موضوعی که در این زمینه باید ملاحظه شود، این است که نویسندگان شیعه از گفتار حضرت مسیح و راه و روش زندگانش بسیار اقتباس کرده‌اند.

اگر گفته‌های امام ابو حامد غزالی را به کناری نهیم، در صحاح اهل سنت، روایتی از مسیح نمی‌یابیم، در حالی که این مورد در کتاب‌های شیعیان فراوان است. در اندرزی از امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جنذب می‌بینیم که به آیاتی از انجیل متای پیغمبر استناد شده است. این اقتباس در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) در کتاب مشهوری به نام تحف العقول عن آل الرسول از نویسنده نامدار شیعی، أبو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة الحرّانی (در گذشته به سال ۳۸۱ هـ) فراوان به چشم می‌خورد. این کتاب لبریز از راز و نیازها، پند و اندرزها گفته‌های حضرت مسیح است.

این مطلب و مطالب دیگری که به اختصار ذکر کردیم، زمینه خوبی را برای گفت و گویی سازنده و تفاهم عقلانی و روحانی آزادی میان مسیحیان و مسلمانان فراهم می‌آورد تا آنان را به اصول دینی ناب و زلال نهفته در متن این دو دین بازگرداند.

راه و روش گفت و گو

این گشت و گذار کوتاه در مقوله گفت و گو که می‌توان آن را بستری تاریخی و بنیادین در روابط میان ادیان، به ویژه میان مسیحیت و اسلام، و نیز نقطه عطفی تاریخی در روند ارتباطات ملت‌ها و به تبع آن آینده بشریت دانست، ما را به ایجاد شیوه‌ای آشکار و روشی روشن رهنمون می‌سازد که نه تنها با پژوهش‌هایی در کتب آسمانی متکامل می‌شود، بلکه بر پایه شناخت گسترده زندگی دینی ما می‌توان بدان دست یافت.

بهتر آن است که بکوشیم کلیاتی را برای این روند ترسیم کنیم، تا این که اندک اندک و به مرور زمان تکامل یابد. این کلیات می‌تواند موارد ذیل باشد:

الف) موضع اصولی گفت و گو؛

ب) زمینه‌های گفت و گو؛ امکانات، دشواری‌ها و ابزارهایش؛

ج) بیان فواید و نتایج گفت و گو.

نگاهی گذار به این گستره پهن‌آور که تنها برجستگی‌هایش به چشم می‌خورد، نکات زیر را

برایم نمایان می‌سازد:

الف) موضع اصولی گفت و گو

در این زمینه آموزه‌های والای مسیحیت و اسلام و نیز موضع کلیسا در کنگره دوم واتیکان را بیان کردیم. در این جا اشاره می‌کنیم که این دعوت از سوی مراجع دینی کشورهای اسلامی پاسخی درخور یافت. در این باره گفتنی است که هیأتی اسلامی از عربستان سعودی که در رأس مقدس‌ترین اماکن مقدس جهان اسلام است، از واتیکان دیدن کرد و این نخستین ارتباط رسمی میان کعبه مسلمانان در مکه مکرمه و پایگاه جاودان مسیحیت در رم بود.

پیش از آن در سال ۱۹۶۴ کاردینال فرانسیس کونینگ رئیس اسقف‌های وین در اتریش از دانشگاه الازهر که بزرگ‌ترین مرجع دینی سنی در جهان است، دیدن کرد و در برابر گروه دو هزار نفری از دانشجویان و استادان و دانشمندان، سخنانی برخاسته از توصیه‌های کنگره دوم واتیکان با عنوان «توحید در جهان معاصر» ایراد کرد. این سخنان مهم سهم بسزایی در پیوند قلب‌ها و دور کردن نگرانی‌ها ایفا کرد. در مقابل، شیخ حسن مأمون مقدم رهبر کلیسا را گرامی داشت و با ذکر این آیه قرآنی سرشار از عاطفه، سخنان خود را پایان بخشید:

و با محبت‌تر از همه کس با اهل ایمان آنان را خواهی یافت که گویند ما نصرانی هستیم این

دوستی نصاری نسبت به مسلمین بدین سبب است که برخی از آنها دانشمند و پارسا هستند و

آنها تکبر و گردن‌کشی بر حکم خدا نمی‌کنند.^{۲۱}

ب) زمینه‌های گفت و گو؛ امکانات، دشواری‌ها و ابزارهایش

۱. به عنوان سر آغاز این مرحله و به دنبال اعلامیه کنگره دوم واتیکان، ما خواهان اعلام پیمان

صلح میان ادیان هستیم. فراخوان این چنین پیمانی، آنانی که دین را در خدمت سیاست

گرفته‌اند و به عنوان سلاحی نیرومند به کار می‌برند تا حدودی ناکام می‌سازد.

۲. در پی آن، نوبت به اعلام پایان جدال میان پیروان ادیان و نیز میان پیروان فرقه‌ها و مذاهب در هر دینی به صورت جداگانه می‌رسد، چرا که جدال متافیزیکی یا کلامی از مهم‌ترین موانع گفت و گو و از عوامل نابودی عاطفه دینی و سردکننده گرمای ایمان ناب است. ما در این جا مثال مشهور جدال بیزانسیان را یاد می‌کنیم که در حالی که آنها مشغول جدال درباره جنس فرشتگان بودند، سپاهیان عثمانی به دروازه‌های قسطنطنیه رسیده بودند. برای تبیین نتایج وخیم جدال، نظر امام غزالی در ردّ جدال و انتخاب نام احیاء علوم الدین برای کتاب تعیین کننده‌اش در تاریخ ایمان اسلامی را یادآوری می‌کنیم. وی با استعانت از نیروی روحانی احیاگرانه، تلاش کرد تا اعتقاداتی که با جدال تضعیف شده بود، پربار کند. بدین جهت علیه انتشار علم کلام در میان غیر متخصصان حمله کرد و گفتار مشهورش را در کتاب الجام العوام عن علم الکلام منعکس ساخت.

۳. بر شمردن اشتراکات و اختلافات عقیده و اصول و ویژگی‌های خاص هر دینی.

۴. بررسی نقاط اشتراک و اختلاف و علل آنها، با:

- مطالعه اصول عقاید و شریعت‌ها و شرایط ظهور یا نزول آنها،

- مطالعه رابطه تاریخی میان ادیان، و رابطه تاریخی میان ادیان و ایدئولوژی‌ها.

۵- بحث درباره امکان نزدیکی میان عقاید و شریعت‌ها در ادیان مختلف و میان مذاهب هر دینی به طور جداگانه؛ به عنوان مثال در این جا به تلاشی که میان اهل سنت و شیعه امامیه در تشکیل «جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی» که مرکز آن در قاهره و سال‌های متمادی ریاست آن را برعهده علامه محمد تقی قمی بوده، اشاره می‌کنیم.

اوج فعالیت این جمعیت در آغاز دهه شصت بوده و مجلات مصری و ایرانی (مانند مجله الاخاء که در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۳، و سپس در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۹ ریاست و سردبیریش را برعهده داشتیم) خبر می‌دادند، و نیز در مجله «البیتة» که شادروان علّال فاسی در مغرب آن را منتشر می‌کرد.

۶. ترجمه میراث فرهنگی مسیحیت - علاوه بر انجیل - به زبان عربی و گسترش ترجمه فرهنگ اسلامی به زبان‌های جهانی و به کارگیری رسانه‌های گروهی برای بیان ناشناخته‌های هر دو دین و تشویق مؤمنان به شناخت ندانستنی‌های خود.

۷. تشویق همایش‌ها و گردهمایی‌هایی که مجمع کلیساهای جهان و مجامع کلیساهای

منطقه‌ای بر پا می‌کنند. این فعالیت بسیاری از تضادها و دوگانگی‌های ضدیت برانگیز را برطرف کرد و به سوی اشتراک در نماز و مراسم دینی و جز آن راهبری کرد. اینها گام‌هایی در راستای ایجاد نزدیکی و پیمودن راه دراز همبستگی است.

۸. اذعان به محال بودن نزدیکی میان برخی اعتقادات و اصول و به تبع آن بسیاری از جزئیاتی که مسیحیت را از اسلام جدا می‌کند؛ برای نمونه الوهیت مسیح و عقیده سه گانگی است. در این جا لازم است به اعتقادات احترام گذاشت و از وارد شدن به میدان مجادله درباره آن پرهیز و باید به سوی مشترکات حرکت کرد.

۹. تلاش در فعال کردن علم کلام یا الهیات - همان‌گونه که ایرانیان و ترک‌ها آن را می‌نامند - و پویایی اجتهاد، زیرا جامد ماندن این علوم اسلامی، جلوی تحرک و دگرگونی اجتماعی مسلمانان را می‌گیرد و روزه ارتباطی این علوم را با علوم همانند آن در مسیحیت، تنگ می‌سازد.

۱۰. بررسی تأثیر پذیری برخی اعتقادات گوناگون از محیط، زمان و عقاید کهن در پرتو روشن‌گری دانش‌هایی که در بند پیشین بدان اشاره شد، در راستای آمادگی برای انجام قرائتی نواز انجیل و قرآن و پایه ریزی دیدگاه‌هایی تازه در دانش‌هایی که به فهم آنها می‌انجامد. اگر در پرتو این دعوت، از مشکل سه گانگی مسیحی و رد آن از سوی قرآن بحث کنیم، و آن را در چهارچوب جغرافیایی و مکان تاریخیش قرار دهیم، برایمان روشن می‌شود که گروهی از مسیحیان در شبه جزیره عرب (حجاز) در دوره‌ای پیش از اسلام راز سه گانه پرستی را از رهگذر سه گانگی آمیخته با شرکی که در جنوب شبه جزیره و بر پایه مفهومی فلکی استوار بوده، دریافته بودند. خلاصه مسئله این‌که گروهی از عرب‌های جنوب، سه گانگی فلکی را که بر پایه عقیده خدای (ماه) و همسرش (آفتاب) و پسرشان (زهره)^{۲۲} استوار بوده، باور داشتند. بدین سان، گروهی از مسیحیان عرب، سه گانه پرستی مسیحی را از عقیده پیشین خود دریافته بودند. قابل توجه در این خصوص این‌که در آیه‌ای که سه گانه پرستان را کافر شمرده، نامی از مسیحیان به میان نیامده، بلکه گروهی را به طور کلی کافر خوانده است: (البته کسانی که سه خدا قائل شدند، کافر گردیدند).^{۲۳}

۱۱. تدریس درس دینی در مدارس با روحیه‌ای دگراندیشانه، سپس تأکید بر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک میان مسیحیت و اسلام در مرحله درک فکری.

۱۲. پرورش نسلی از گفت و گوگران متخصص با گنجاندن مطالعات تطبیقی ادیان در برنامه‌های درسی، به‌ویژه درس گفت و گو میان ادیان در دانشکده‌های ادیان، الهیات و فلسفه، و دادن گواهی و مدرک تحصیلی مستقلی در این زمینه.

ج) فواید گفت و گو

۱. بحث درباره ابزار گفت و گو، ما را به تبیین فواید آن در جوامع گوناگون انسانی به اعتبار محیط، تاریخ و عوامل پدید آورنده آن و نیز مسئله دین رهنمون می‌سازد. اگر ما با کمک همه ابزار امروزی اقدام به برپایی گردهمایی دوره‌ای در جاهای مختلف جهان به منظور ایجاد جوی مناسب برای گفت و گو، تفاهم و آنگاه همکاری کنیم، می‌توانیم به تدریج، گوشه‌گیری و پراکندگی را به کناری نهیم، زیرا اینها در طول قرن‌های طولانی دشمنی، دراندیشه، سنت‌ها و آداب و رسوم مردم رسوب کرده است. در آغاز، تحقق این ارتباط، خود به تنهایی پیروزی برای ایمان به حق است.

۲. از فواید این تلاش این است که ما را به بررسی همه جانبه دین و مطالعه هم‌زمان ادیان دیگر باز می‌گرداند، و در ما انگیزه فهم، عبادت و روشن بینی در آموزه‌های دینی و دانش‌های وابسته را بیدار می‌کند، و جنبش علمی را که به تبادل افکار و تجارب برای دست‌یابی به خیر و مصلحت بشریت در تمامی این کره خاکی منجر می‌شود، بر می‌انگیزاند.

۳. اذعان به وجود اختلاف و پذیرش آن - علاوه بر پذیرش مشترکات - باعث تهذیب شخصیت انسانی و نیرومندی آن در سایه همکاری با کسانی که با ما اختلاف دارند، می‌شود و سرانجام، راهی به سوی صلح میان انسان‌ها و جوامع و کشورهاست. و صلح از اهداف اصلی ادیان است.

۴. اگر چه رفع همه مشکلات انسانی به صورت قاطع، امری دشوار است، گفت و گو می‌تواند بار این مشکلات را کاهش دهد و بر خشونت آن که باعث تزلزل کشورها و جوامع و به تبع آن تشنج در روابط انسانی و سرانجام، برافروخته شدن آتش جنگ می‌شود، مهار می‌زند. چه این که جهان به دلیل وسایل ارتباطی مدرن، از قانون مشهور علمی (به هم پیوستن مایعات) پیروی می‌کند و هر تکانی در این جا، در همه جای جهان، توفانی بر پا می‌کند. اگر دین در جامعه حضوری زنده داشته باشد و این حضور وجودی تلقینی و یا مراسمی موروثی

نباشد، آن را - همان‌گونه که هست - به عنوان وسیله‌ای برای تحقق زندگانی برتر برای مردم در این دنیا که مقدمه‌ای برای آخرت است، به کار بریم، و نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای آخرت که در هنگام نزول بلا و یا مصیبت و یا ناراحتی در جان و تن بدان دست یازیم، که گویی طلسمی جادویی است که جز در سختی‌ها بدان پناه نمی‌بریم.

۱. ﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ (نساء (۴) آیه ۱۶۵).
۲. ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ (مانده (۵) آیه ۴۸).
۳. نک: "The Public Interest", No. 80, Summer 1985.
۴. نک: دیدگاه کلیسا نسبت به پیروان دیگر ادیان، واتیکان، دبیرخانه غیر مسیحیان، ۱۹۸۴.
۵. همان.
۶. انجیل متی ۳۹:۵-۴۶.
۷. ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل (۱۶) آیه ۱۲۵).
۸. انجیل لوقا ۳۶:۶.
۹. ﴿وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (عنکبوت (۲۹) آیه ۴۶).
۱۰. ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (قصص (۲۸) آیه ۵۶).
۱۱. انجیل متی ۲۱:۷.
۱۲. ﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَارْتَمَى السَّبِيلَ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقره (۲) آیه ۱۷۷).
۱۳. فیصل التفرقة، چاپ قاهره، ۱۹۰۱ م، ص ۷۵-۸۷.
۱۴. تفسیر المنار، چاپ قاهره، ۱۳۴۶ هـ ج ۱، ص ۳۳۵-۳۳۶؛ محمد رشید رضا، مختصر تفسیر المنار، با تکمله و حاشیه شیخ محمد احمد کنعان، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۹۸۴ م، ص ۶۱.

۱۵. بقره (۲) آیه‌های ۶۲، ۱۱۱، ۱۱۲.

۱۶. مائده (۵) آیه ۶۹.

۱۷. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره (۲) آیه ۶۲).

۱۸. «وإن شئت قلت في عيسى بن مريم ^{عليه السلام}، فقد كان يتوسد الحجر ولبس الخشن وياكل الجسب. وكان إدامته الجوع، وفاكهته وريحانه ما تنبت الأرض للبهائم. ولم تكن له زوجة تفتنه، ولا ولد يحزنه، ولا مال يلفتة، ولا طمع يذله. دأبه رجلاه، وخادمه يده» (نهج البلاغه، تحقيق دكتور صبحي الصالح، دارالكتاب اللبناني، بيروت، ۱۹۶۷، ص ۲۲۷، خطبة ۱۶۰).

۱۹. جانلیق، بنابر منابع عربی اسلامی در شرح احادیث شیعه عبارت است از: «پیشوای مسیحیان در هر زمان». این کلمه معرب از زبان یونانی است و به معنای پیشوای اسقف‌ها (Catholicos) و یا باتریارک. و امروزه در مورد باتریارک ارامنه ارتودکس استعمال می‌شود.

۲۰. کتاب التوحید، ص ۱۸۲، ۲۸۶، ۲۷۰، ۳۶۱، ۴۱۷، ۴۲۰-۴۲۲.

۲۱. ﴿... وَلَنَجِدَنَّهُمْ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (مائده (۵) آیه ۸۲).

۲۲. زهره در متون کهن عرب جنوب، مذکر و در عرب شمال و دیگر سامی‌های شمالی، مؤنث است. (نک: تاریخ العرب قبل الاسلام، نوشته دکتر جواد علی، ج ۵، ص ۱۲۱).

۲۳. ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ﴾ (مائده (۵) آیه ۷۳).